بسم الله الرحمن الرحیم

دوشنبه 29/10/93

جلسه 1098

بحث راجع به برائت شرعیه در اقل و اکثر ارتباطی بود، عرض کردیم این برائت شرعیه از وجوب اکثر مبتلا به موانع عامی هست و موانع خاصی، موانع عام در همه موراد اقل و اکثر ارتباطی وجود داشت که ما سعی کردیم از آنها جواب بدهیم، و لکن برخی از این موانع جوابش سخت بود، و عمده همان مانع اول بود که ما عرض کردیم.

برای اینکه آن مانع اول کاملا مشکلش ترسیم بشود بنده یک مثالی می زنم و بعد وارد بحث موانع خاصه می شویم.

مانع اول این بود که می گفتیم علم اجمالی هست که یا اکثر واجب است مثل نماز با سوره و یا اخبار به عدم وجوب اکثر کذب علی الله است، یا نماز با سوره واجب است که باید نماز با سوره بخوانیم، یا نماز با سوره واجب نیست پس اخبار به وجوب نماز با سوره می شود کذب علی الله.

و جالب این است که می شود یک علم اجمالی به تکلیف فعلی درست کرد در همین جا به لحاظ صوم، صوم مشروط است به عدم کذب علی الله بنابر نظر مشهور، ما می توانیم از همین اشتراط صوم به عدم کذب علی الله یک علم اجمالی در اینجا تشکیل بدهیم، بگوئیم یا بر ما واجب است نماز با سوره و یا اگر نماز با سوره واجب نباشد پس واجب است در صوم ما اجتناب کنیم از اخبار به وجوب نماز با سوره، چون در فرضی که نماز با سوره واجب نباشد اخبار به وجوب آن می شود کذب علی الله و صوم مشروط است به عدم کذب علی الله، و این می شود علم اجمالی به تکلیف منجز.

اینکه ما قبلا مطرح کردیم که اصل حرمت اخبار به وجوب نماز با سوره معلوم الحرمة است چون قول به غیر علم است، اگر کذب باشد ملاک این حرمت شدیدتر هست و الا اصل حرمت علی ای حال معلوم تفصیلی است، این جواب کافی نیست، برای اینکه ما به لحاظ صوم بحث شدت حرمت نداریم، چون قول به غیر علم در صوم مانع شرعی نیست آنی که مانع شرعی است در صوم کذب علی الله و الرسول است، پس ما علم اجمالی داریم به اینکه یا اخبار به اینکه نماز با سوره واجب هست کذب علی الله است و صومِ واجب مشروط است به عدم آن، و یا اینکه اگر اخبار به وجوب نماز با سوره کذب علی الله نیست پس یعنی نماز با سوره واجب است و باید نماز با سوره بخوانیم.

نفرمائید که ما استصحاب می کنیم که یک زمانی اخبار به اینکه نماز با سوره واجب است کذب علی الله بود، قبل از بعثت پیامبر اگر ما می گفتیم تجب الصلاة مع السورة این کذب علی الله بود، استصحاب می کنیم که الآن هم این اخبار به وجوب نماز با سوره کذب علی الله است.

اقول: این مطلب درستی نیست، زیرا اخبار 1500 سال قبل به اینکه نماز با سوره واجب است این معنایش این بود که نماز با سوره در آن زمان واجب است خوب معلوم است که این کذب بود، اما الآن می گوئیم نماز با سوره امروز واجب است این یک قضیه خبریه دیگری است، مثل این است که دیروز زید در خانه نبود اگر می گفتیم زید در خانه است می شد کذب، اما اگر امروز بگوئیم زید در خانه است این یک قضیه خبریه دیگری است، زمان این دو قضیه خبریه فرق می کند، اینکه روز یکشنبه اگر می گفتیم زید در خانه است او دروغ بود اما الآن که روز دوشنبه است بگوئیم زید در خانه است این یک قضیه خبریه دیگری است، موضوع واحد نیست که بگوئیم استصحاب می کنیم که هنوز این خبر کاذب است، دو قضیه خبریه است که هر کدام مقید است به زمان خودش، شما محکیتان در این دو قضیه خبریه فرق می کند، چون شما الآن دارید خبر می دهید از زمان حال پس مخبر به شما در این اخبار امروز عبارت است از این واقعه در امروز فرق می کند با مخبر به در آن قضیه خبریه روزهای قبل، و لذا استصحاب اینکه این اخبار از وجوب نماز با سوره قبل از اسلام کاذب بود چون یقینا در آن زمان واجب نشده بود نماز با سوره پس هنوز هم این اخبار کاذب است این اساسی ندارد، بلکه استصحاب عدم ازلی را اگر قبول کنیم استصحاب می کنیم که این اخبار قبل وجوده کاذب نبود الآن هم که موجود شد کاذب نیست، و اصلا نیازی هم به این استصحاب عدم ازلی نداریم، بلکه برائت جاری می کنیم از اینکه واجب باشد در حال صوم اجتناب کنیم از این اخبار و این تعارض می کند با برائت از وجوب نماز با سوره.

ما اینکه می گوئیم اصل برائت تعارض می کند، اصل برائت از حرمت اخبار به وجوب نماز با سوره در حال صوم این دو تا معارض دارد، یعنی اینکه برائت جاری می کنیم و ثابت می کنیم که در حال صوم بخاطر صوم واجب نیست ما اجتناب کنیم از این اخبار به وجوب نماز با سوره، این برائت دو معارض دارد:

یکی همان برائت از وجوب نماز با سوره، چون علم اجمالی داریم یکی از این دو برائتها خلاف واقع است، یا نماز با سوره واجب است پس آن برائت از وجوب نماز با سوره خلاف واقع است و ما باید نماز با سوره بخوانیم، و یا نماز با سوره واجب نیست پس این برائت از وجوب اجتناب در حال صوم از اخبار به وجوب نماز با سوره خلاف واقع است، چون اگر واقعا نماز با سوره واجب نباشد اخبار به وجوب نماز با سوره می شود کذب، و صوم مشروط است به اجتناب کذب علی الله.

و این برائت از وجوب اجتناب از این اخبار در حال صوم یک معارض دیگری هم دارد، و آن برائت از وجوب اجتناب از اخبار به عدم وجوب نماز با سوره است، چون ما علم اجمالی درایم یا اخبار به وجوب نماز با سوره کذب علی الله است یا اخبار به عدم وجوب آن کذب علی الله است، این هم علم اجمالی است، دو علم اجمالی همزمان داریم که هر دو منجز است، علم اجمالی اول می گفت یا نماز با سوره واجب است پس نماز با سوره بخوان، و یا اگر نماز با سوره واجب نباشد پس در حال صوم واجب است اجتناب کنی از اخبار به وجوب نماز با سوره، چون این اخبار می شود کذب علی الله و کذب علی الله مبطل صوم است، این علم اجمالی اول، علم اجمالی دوم این است که ما علم اجمالی داریم یا اخبار به وجوب نماز با سوره کذب علی الله است یا اخبار به عدم وجوب آن کذب علی الله است، و واجب است ما از یک یکی از این دو در حال صوم اجتناب کنیم، خوب دو علم اجمالی هر دو با هم منجز هستند و اصول در اطراف آن تعارض و تساقط می کند.

بله! کسانی که خروج از محل ابتلاء را به آن معنای مشهور می گفتند، که داعی نوعی بر ارتکاب اگر نبود مثل اینکه داعی نبود که من بروم آب نجس در فلان شهر را بخورم با اینکه تمکن عرفی و عقلی دارم، کسانی که خروج از محل ابتلاء را به معنای عدم داعی نوعی به ارتکاب مانع می دانستند از منجزیت علم اجمالی بله جا دارد بگویند که داعی نیست که ما خبر بدهیم از وجوب نماز با سوره.

ولی ما که خروج از ابتلاء به این معنا را مانع از منجزیت علم اجمالی ندانستیم، علاوه بر اینکه صغرای این محل مناقشه است که گفت داعی نوعی نیست بر این اخبار، بعضی ها بیان احکام شرعی برای مردم می کنند و خبر می دهند از احکام شرعی که علم به آن ندارند، چرا داعی نوعی نباشد بر اینکه شخص با وجود شک در وجوب نماز با سوره بیاید خبر بدهد ایها الناس چون در مفاتیح نوشته و مفاتیح را هم که این آقا حجت می داند می آید خبر می دهد که ایها الناس نماز با سوره واجب است چون آنجا نوشته سوره در نماز واجب است استنادا به یک خبر غیر معتبر، چرا داعی نوعی نیست به ارتکاب این، علاوه بر اینکه عرض کردیم ما خروج از محل ابتلاء به این معنا را مانع از منجزیت علم اجمالی نمی دانیم.

کسانی که مثل ما ملتفت هستند به این علم اجمالی اینها مشکل دارند، نوع مردم که ملتفت به این علم اجمالی نیستند مشکل ندارند، ما که ملتفت شدیم به این علم اجمالی ما مشکل داریم.

لا یقال: و این را هم عرض کنم که برای حل این مشکل یک وقت دلتان را خوش نکنید که بگوئید مگر کذب چیست؟ کذب اخبار به یک شیئی است که آن شئ مطابق با واقع نیست، بعد بگوئید خوب ضم الوجدان الی الاصل می کنیم ما خبر بدهیم از وجوب نماز با سوره استصحاب هم که می گوید نماز با سوره واجب نیست، پس می شود اخبار به به وجوب نماز با سوره که استصحاب می گوید این وجوب مطابق با واقع نیست فثبت کونه کذبا، و لذا علم اجمالی منحل شد، استصحاب عدم وجوب نماز با سوره اثبات کردکه این اخبار ما به وجوب نماز با سوره کذب است و مبطل صوم است و تمام شد و رفت.

فانه یقال: این را نگوئید چون در جواب شما می گویند کذب عنوان بسیط است نه عنوان مرکب، همانطور که در بقیه عناوین بسیطه مثل اعمی نمی توانید بگوئید که استصحاب می گوید این نوزاد چشم نداشت الآن هم چشم ندارد، وجدانا الآن که قابلیت بصر پیدا کرده، آنوقتی که تازه نطفه اش منعقد شده بود چشم نداشت قابلیت بصر هم نداشت لذا به او نمی گفتند اعمی، ولی الآن که نه ماهه شده استصحاب می کنیم چشم ندارد و قابلیتش را برای بصر داشتن در نه ماهگی بالوجدان اثبات می کنیم فثبت انه اعمی، می گویند نه آقا! اعمی عنوان بسیطی است که انتزاع می شود از این دو شئ، مرکب از این دو شئ نیست، عنوان عمی عنوان مفردی است که انتزاع می شود از دو شئ، نمی توانیم ما در منشأ انتزاع استصحاب جاری کنیم و این عنوان واحد انتزاعی را اثبات کنیم، چون این اصل مثبت است.

اقول: لذا این مانع اول هر چه فکر می کینم می بینیم مانع قابل توجهی است، تنها جواب دوم ما می آید، که این مانع اگر درست بشود فقط دشمن اقل و اکثر ارتباطی نیست بلکه دشمن همه موارد شبهات حکمیه و موضوعیه هست، آنوقت مجبور می شویم رفع ما لایعلمون را حمل کنیم بر موارد غفلت و لذا در شبهات بدویه وجوبیه هم همین علم اجمالی تصویر می شود کما بیناه سابقا، لذا آن جواب دوم را فعلا ما از او رفع ید نکردیم.

ولی آن جواب اول که ما می گفتیم شدت حرمت مجرای برائت نیست چون اصل حرمت این اخبار ولو به ملاک قول به غیر علم معلوم بالتفصیل است اگر دروغ باشد شدت حرمت دارد یعنی ملاک حرمت اقوی است، این منشأ نمی شود عرفا برائت شرعیه از شدت ملاک حرمت جاری بشود، این جواب اول اشکال دارد.

ان قلت: گفته می شود که در موارد قول به غیر علم مثل همین مورد شک در وجوب نماز با سوره ما وقتی علم اجمالی داشتیم یا اخبار به وجوب کذب است و مبطل صوم است یا اخبار به عدم آن، چون قطعا یکی از این دو کذب است، این علم اجمالی باعث می شود به  قول آقای خوئی که اگر ما یکی از این دو اخبار را هم مرتکب بشویم روزه مان باطل بشود، ایشان در مستند العروة مثال می زند اگر شما علم اجمالی دارید که یکی از این دو مایع آب است، و ارتماس فی الماء مبطل صوم است نه ارتماس در مایع دیگر، سرتان را فربردید در این مایع اول دیدید این اصلا آب نبود می گوئید الحمد لله ما ارتماس فی الماء نکردیم، اما آقای خوئی می گوید روزه شما باطل است فقط کفاره لازم نیست بدهی، زیرا وقتی که شما علم اجمالی پیدا کردی که یکی از این دو آب هست علم اجمالی منجز بود، یعنی علم اجمالی پیدا کردی که یا واجب است اجتناب و ارتماس در این مایع اول یا واجب است اجتناب و امساک از ارتماس در مایع دوم، این علم اجمالی منجز است، و لذا اگر ارتماس می کردی در آن مایع اول و کشف می شد آب بود این ارتماس تو در آب می شد ارتماس عمدی، عمدی یعنی بلاعذر، اینجور است، و حرف درستی هم هست، بعد آقای خوئی می گوید خوب حالا می گوئی خدا را شکر شانسامان زد که ارتماس فی الماء نکردیم، صوم به شانس بسته نیست صوم این است که باید امساک بکنی از مفطّرات، این ارتماس در این مایع اول اگر فی علم الله آب بود بخاطر آن علم اجمالی شما می شد ارتماس عمدی و بلاعذر در آب، شما فقط شانست زد این مایع اول که در او ارتماس کردی آب نبود، صوم امساک است از ارتماس عمدی فی الماء مثلا، نه اینکه شما کاری بکنی که اتفاقا ارتماس در آب نیست از باب صدفه، اینکه امساک نیست، الصوم هو الامساک عن المفطرات، بله! اگر صرف شک بدوی بود یک مایعی بود نمی دانستید آب است یا مضاف اصل برائت جاری می کردید از مفطریت ارتماس در آن مایع مشکوک سرتان را در او فرو می کردید اگر آب هم بود اشکال نداشت، چون ارتماس عمدی نیست، ارتماس کرده اید در آب عن عذر و مع اصل البراءة و مع استصحاب عدم کونه ارتماسا فی الماء، و لذا آقای خوئی فرموده در موارد شک و قول به غیر علم شما علم علم اجمالی دارید که یا این اخبار به وجوب نماز با سوره کذب و مفطر صوم است یا اخبار به عدم وجوب آن، اصل برائتها تعارض کرد، و لذا اگر خبر بدهید از وجوب و واقعا کذب باشد روزه شما باطل شده است، حالا شما خبر داده اید از وجوب نمی دانید که واقعا دروغ بود یا نبود، باز هم روزه تان باطل است چون مربوط شد به صدفه و اتفاق، شما اجتناب نکردید از کذب علی الله عمدا، چون شما اگر این خبر را بدهید و واقعا کذب باشد فرض این است که کذبش منجز است بر شما بخاطر آن علم اجمالی، فقط می گوئید خدا را شکر که اتفاقا مرتکب کذب علی الله نشدیم چون کشف شد که آنچه خبر دادیم دروغ نبود، می گویند نه روزه تو باطل است چون در حال روزه باید اجتناب کنی امساک کنی از مفطرات نه اینکه اتفاقا مفطرات از تو صادر نشود، این بیان آقای خوئی است، که البته برای کسانی این بیان خوب است که ملتفت باشند به این علم اجمالی، فضلاء فضلا عن العوام همچنین علم اجمالی در ذهنشان نیست، کسانی که ملتفت هستند به این علم اجمالی مثل آقای خوئی و چند تا شاگرد مبرزش آنها مشکل پیدا می کنند و مطلب درستی هم هست، کفاره لازم نیست شخصی که اخبار می دهد از وجوب نماز با سوره در حال صوم چون ثابت نشد مرتکب کذب شده، ارتکاب خارجی مفطرات موجب کفاره است، و لکن روزه اش باطل است چون امساک نکرده از مفطرات، بستگی به شانس و اقبال دارد، حالا اشکال این است که گفته می شود بنابر این در ما نحن فیه در حال صوم اگر من بگویم نماز با سوره واجب است یقینا روزه ام باطل است به قول آقای خوئی علم تفصیلی دارم به بطلان صوم نه علم اجمالی.

قلت: می گوئیم بله خود آقای خوئی هم گفت علم تفصیلی داری به بطلان صوم، ولی این علم تفصیلی تو به برکت تعارض اصل برائتها است، چون اصل برائت در این اخبار به وجوب و اخبار به عدم وجوب تعارض کرد و تساقط کرد شد ارتکاب عمدی مفطرات، و لذا در آن مایع مشکوکی که طرف علم اجمالی نبود چون اصل برائت جاری می شد که لازم نیست اجتناب کنیم در صوم از ارتماس در این مایع مشکوک چون اصل برائت بلامعارض بود اگر واقعا هم آب بود روزه ات باطل نبود، چون اصل برائتِ بلامعارض داشت، در اخبار به غیر علم علت اینکه آقای خوئی می گوید اخبار به غیر علم موجب بطلان صوم است ولو واقعا کذب نباشد چون در رتبه سابقه حساب کرده دیده که اصل برائت از وجوب اجتناب در حال صوم از اخبار به وجود این حکم با اصل برائت از وجوب اجتناب در حال صوم از اخبار به عدم آن تعارض می کند آن وقت این اخبار اگر فی علم الله کذب باشد ارتکابش می شود ارتکاب عمدی مفطرات، و لذا می گوید روزه باطل می شود ولو شانست بزند واقعا دروغ نباشد، چون تو امساک و اجتناب نکرده ای از آن، البته این منجزیت علم اجمالی مربوط می شود به کسی که ملتفت به این علم اجمالی باشد، اما کسی که ملتفت نباشد مشکلی ندارد.

و لذا اینکه ما می گفتیم لازمه این اشکال این است که رفع ما لایعلمون مختص موارد غفلت فقط بشود، نه اینطور نیست، بلکه مواردی هم که مردم ملتفت این علم اجمالی نیستند آنها هم برائت دارند، خیلی ها ملتفت نیستند به این علم اجمالی ای که ما عرض کردیم، چون اگر ملتفت باشی به این علم اجمالی در شبهات بدویه محضه هم مشکل پیدا می کنیم، مثلا شک داریم در وجوب نماز غفیله مثلا خوب همین علم اجمالی تشکیل می شود که یا نماز غفیله واجب است پس باید بخوانیم یا اخبار به وجوب کذب و مبطل صوم است، بله در همه شبهات بدویه این شبهه می آید، ولی این فوقش موجب می شود که رفع ما لایعلمون مختص بشود به غافلین در شبهات که غفلت دارد از شبهه وجوب و کسانی که این علم اجمالی ای را که گفتیم در ذهنشان نیست، آنها هم اصل بلامعارض دارند از وجوب نماز غفیله مثلا، چون علم اجمالی ای از این علم اجمالی هایی که ما گفتیم ندارند تا بخواهد معارضه کند.

پس مشکل اختصاص حدیث رفع به موارد نادر یا موارد غفلت لازم نمی آید، و لکن ما آن جواب دوم را قبول داریم که در آن جواب دوم توضیحاتی دادیم که طبق آن توضیحات هنوز هم این علم اجمالی را منحل می دانیم، اما مانع اول مانعی است که باید بیشتر روی آن توجه بشود.

اما موانع خاصه، اولین مانع مانعی بود که محقق عراقی فرمود، ما مجددا مراجعه کردیم به مقالات و نهایة الافکار دیدیم عبارت بحوث ایراد دارد و الا اصل مطلب در این دو کتاب هست، همین علم اجمالی در واجب های ارتباطی که بعد از شروع آن محقق عراقی فرموده است اتمام آن واجب است[[1]](#footnote-1)، می گوید مثل نماز، شما نماز می خوانید سوره را ترک می کنید می روید به رکوع این نماز اگر باطل نشد واجب است اتمام آن اگر باطل شد واجب است اعاده آن، و این علم اجمالی منجز است، بعد محقق عراقی جواب می دهد، تأمل بفرمائید جواب ایشان را و اشکالی که در بحوث به ایشان می کند خود محقق عراقی ملتفت است به این اشکال بحوث، تأمل بفرمائید تا فردا.

1. - محقق عراقی هم گفته اتمام آن واجب است نگفته قطع آن حرام است که بحوث این نسبت قطع آن حرام است را اشتباها به محقق عراقی داده، هر چند خود بحوث در ذیل در توضيح كلام محقق عراقي و مشيرا الي كلام ايشان هم حرمت قطع و هم وجوب اتمام را مطرح كرده است. [↑](#footnote-ref-1)